

# عُمْدَةُ السَّالِكِ وَعُدَّةُ النَّاسِكِ

تأليف:

شهاب الدين ابوالعباس أحمد بن النقيب المصري

وفات:

سال ۷۶۹ هجری قمری

ترجمه، تحقیق، تفریح أحادیث و بیان دلایل:

سید مسلم تفت دار

مدرسه امیریہ

جزیره قشم – گیاهدان

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## بَابُ التَّيْمِمْ

فَإِنْ خَافَ مِنْ جُرْحٍ وَلَا سَاتِرَ عَلَيْهِ غَسَلَ الصَّحِيحَ بِأَفْصَى الْمُمْكِنِ، فَلَا يَتْرُكُ إِلَّا مَا لَوْ غَسَلَهُ تَعَدَّى إِلَى الْجُرْحِ،<sup>۱</sup>

پس اگر از (آب زدن به) جراحت می‌ترسد و پانسمانی بر آن نیست؛ تا حد امکان (عضو) صحیح را می‌شوید پس (عضو صحیح را) رها نمی‌سازد مگر مقداری که اگر آن را بشوید به جراحت می‌رسد.

وَتَيَمَّمَ لِلْجُرْحِ - فِي الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ<sup>۲</sup> - فِي وَقْتِ جَوَازِ غَسْلِ الْعَلِيلِ،<sup>۳</sup> فَالْجُنْبُ يَتَيَمَّمُ مَتَى شَاءَ،<sup>۴</sup> وَالْمُحْدِثُ لَا يَنْتَقِلُ عَنْ عَضْوٍ حَتَّى يَكْمَلَ غَسْلًا وَتَيَمُّمًا مُقَدِّمًا مَا شَاءَ،<sup>۵</sup> فَإِنْ جَرِحَ عَضْوَاهُ فَتَيَمَّمَانِ.<sup>۶</sup> وَلَا يَجُوزُ مَسْحُ الْجُرْحِ بِالْمَاءِ وَإِنْ لَمْ يَضُرَّهُ،<sup>۷</sup>

<sup>۱</sup> . قاعده‌ی فقهی: الْمَيْسُورُ لَا يَسْقُطُ بِالْمَعْسُورِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: وَإِذَا أَمَرْتُكُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ.

بخاری ۷۲۸۸

و هرگاه شما را به کاری دستور دادم تا حد توان آن را انجام دهید.

<sup>۲</sup> . فتح الوهاب و فیض الاله: مصنف به "فِي الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ" قید آورد در حالی که واضح است تیمم با این دو عضو انجام می‌گیرد. به خاطر رد بر قول ضعیفی از برخی از علما که گفته‌اند: محل جراحت هر کجا که باشد باید با خاک مسح شود.

<sup>۳</sup> . النجم الوهاج: زیرا تیمم بدل از شستن عضو معذور است. پس جهت رعایت ترتیب، از عضو معذور منتقل نمی‌شود تا طهارت آن را با شستن و تیمم کردن تکمیل کند.

اگر جراحت در صورت بود باید قبل از شستن دو دست تیمم را انجام دهد. و اگر عضو معذور، دست باشد باید تیمم را بعد از شستن صورت و قبل از مسح سر انجام دهد.

<sup>۴</sup> . زیرا ترتیب در آن واجب نیست.

و برای جراحی، - در صورت و دو دست - در وقت جابز بودن شستن عضو مجروح تیمم می‌کند. پس جنب تیمم می‌کند هر زمان که بخواهد و بی‌وضو از عضوی منتقل نمی‌شود تا شستن و تیمم کردن را تکمیل کند تقدیم کننده‌ی هر کدام (از آن دو) که بخواهد. پس اگر دو عضو او مجروح شد دو تیمم (واجب) او می‌شود. و مسح کردن جراحی با آب جابز نمی‌شود و اگر چه به او ضرر نمی‌رساند.

فَإِنْ كَانَ الْجُرْحُ عَلَىٰ عَضْوِ التَّيْمِمْ وَجَبَ مَسْحُهُ بِالتُّرَابِ،<sup>۵</sup> فَإِنْ احتَاجَ لِعِصَابَةٍ أَوْ لَصُوقٍ أَوْ جَبِيْرَةٍ وَجَبَ وَضْعُهَا عَلَىٰ طَهْرٍ<sup>۶</sup> وَلَا يَسْتُرُ إِلَّا مَا لَا بُدَّ مِنْهُ،<sup>۷</sup> فَإِنْ خَافَ مِنْ نَزْعِهَا<sup>۸</sup> وَجَبَ الْمَسْحُ عَلَيْهَا كُلِّهَا بِالمَاءِ مَعَ غَسْلِ الصَّحِيحِ وَالتَّيْمِمْ كَمَا تَقَدَّمَ،<sup>۹</sup>

پس اگر جراحی در عضو تیمم بود مسح آن با خاک واجب می‌شود. پس اگر به پانسمان یا چسباندن یا آتل‌بندی احتیاج پیدا کرد گذاشتن آن بر وضو واجب می‌شود و نمی‌پوشاند مگر

<sup>۵</sup> . مثلاً اگر جراحی در دست باشد همان‌گونه که گذشت تیمم باید بعد از شستن صورت و قبل از مسح سر انجام گیرد اما اختیار دارد که قبل از شستن دست یا بعد از شستن آن، تیمم را انجام دهد.

<sup>۶</sup> . النجم الوهاج: زیرا همان‌گونه که گذشت جهت رعایت ترتیب، قبل از منتقل شدن از عضو معذور، باید تیمم کرد پس تیمم از دومی لازم است که بعد از تیمم اول انجام پذیرد.  
<sup>۷</sup> . فتح الوهاب المالک: زیرا در وضو، شستن اعضا واجب است و مسح، واجب نیست. اکنون که عضو، علیل گردیده و نمی‌تواند آن را با آب بشوید تیمم می‌کند.

<sup>۸</sup> . زیرا یکی از دو مُطَهَّرَات باید به عضو برسد. و چون مُبَدَّل نمی‌رسد بدل باید برسد.

<sup>۹</sup> . عجاله المحتاج: بر مسح بر دو کفش قیاس گرفته می‌شود.

<sup>۱۰</sup> . زیرا رخصت به عضو علیل تعلق می‌گیرد و به عضو صحیح تعلق نمی‌گیرد.

<sup>۱۱</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات زیاده آمده: **مِنْ نَزْعِهَا ضَرَرًا**، اما در چاپ

دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

<sup>۱۲</sup> . دلیل آن: حدیث ابوداود ۳۳۶ که گذشت.

عَنِ ابْنِ عُمَرَ، أَنَّهُ تَوَضَّأَ وَكَفَّهُ مَعْصُوبَةً فَمَسَحَ عَلَى الْعَصَائِبِ وَغَسَلَ سِوَى ذَلِكَ.

بیهقی در السنن الکبری ۱۰۸۱ آن را صحیح دانسته.

ابن عمر وضو گرفت در حالی که کف دست او بسته شده بود پس بر محل پانسمان،

مسح نمود و غیر از آن محل را شست.

مقداری که چاره‌ای از آن نیست. پس اگر از کندن آن می‌ترسد همراه با شستن عضو صحیح و تیمم همان‌گونه که گذشت مسح کامل بر آن با آب واجب می‌شود.

**فَإِنْ كَانَتْ<sup>١٣</sup> فِي غَيْرِ عَضْوِ التَّيْمَمِ لَمْ يَجِبْ مَسْحُهَا بِتُرَابٍ.<sup>١٤</sup> فَإِنْ أَرَادَ فَرَضًا<sup>١٥</sup> آخَرَ يُعِدُّ الْجُنُبُ غُسْلًا، وَكَذَا الْمُحْدِثُ،<sup>١٦</sup> وَقِيلَ: يَغْسِلُ مَا بَعْدَ عَلَيْهِ،<sup>١٧</sup>**

پس اگر (جراحت) در عضو تیمم نبود مسح آن با خاک واجب نمی‌شود. پس اگر قصد نماز فرض دیگری کرد شخص جنب، غسل را تکرار نمی‌کند و همچنین بی‌ضو. و قول ضعیفی است که بعد از عضو مجروحش را می‌شوید.

**وَإِنْ وُضِعَ يَلَا ظَهْرٍ وَجَبَ النَّزْعُ،<sup>١٨</sup> فَإِنْ خَافَ فَعَلَ مَا تَقَدَّمَ وَهُوَ آثِمٌ وَيُعِيدُ الصَّلَاةَ،<sup>١٩</sup>**

<sup>١٣</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات زیاده آمده: **كَانَتْ الْجِرَاحَةُ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

<sup>١٤</sup> . همان‌گونه که گذشت قول ضعیفی وجود دارد که گفته‌اند: واجب است محل جراحت را با خاک مسح کند.

<sup>١٥</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات زیاده آمده: **أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ**، اما در چاپ دار المنهاج و نسخ خطی نزد من وجود ندارد.

<sup>١٦</sup> . در نهاییه آمده: زیرا در کُل، تیمم طهارت مستقلی است. پس با نقض شدن آن با طهارت دیگر، لزوم پیدا نمی‌کند که حکم آن از بین برود. همان‌گونه که اگر برای جنابت غسل بزند سپس بی‌وضو شود فقط وضو لازم او می‌شود و غسل او نقض نمی‌گردد و اگر چه اعضای وضو، شامل اعضای غسل می‌شوند زیرا در کُل، وضو عبادت مستقلی است.

<sup>١٧</sup> . النجم الوهاج: این اختیار ابن صَبَّاح، قاضی حسین، مُتَوَلَّى و بغوی است که رافعی از آنان پیروی کرده است.

نجم و نهاییه: (این قول مرجوح است) زیرا فرد، زمانی به تکرار شستن ما بعد از علیل اقدام می‌کند که طهارت آن نقض شده باشد اما می‌بینیم که طهارت آن نقض نشده به دلیل این که با آن تیمم، نماز سنت را می‌توان گزارد.

<sup>١٨</sup> . عجاله المحتاج: زیرا در تیمم شرط است که آن را بر طهارت بگذارد، در این جا این شرط منتفی شده است.

و اگر (پانسمن) بدون وضو گذاشته شده؛ کندن (آن) واجب می‌شود. پس اگر (از کندن آن) ترسید آن چه گذشت را انجام می‌دهد در حالی که گنهکار است و نماز را تکرار می‌کند.

**وَلَا يُعِيدُ إِنْ وُضِعَ عَلَى طَهْرٍ ۚ وَلَمْ يَكُنْ فِي أَعْضَاءِ التَّيْمَمِ، ۱ وَلَا مَنْ تَيَمَّمَ لِمَرَضٍ أَوْ جُرْحٍ بِلَا سَاتِرٍ ۲ إِلَّا مَنْ بَجُرْحِهِ دَمٌ كَثِيرٌ يَخَافُ مِنْ غَسَلِهِ فَيُعِيدُ. ۳**

و (نماز را) تکرار نمی‌کند اگر بر وضو گذاشته شد، و در اعضای تیمم نبود، و نه کسی که برای بیماری یا جراحتی بدون پانسمن تیمم می‌کند. مگر کسی که به جراحت او، خون بسیاری است که از شستن آن می‌ترسد پس او (نماز را) تکرار می‌کند.

**وَلَوْ خَافَ مِنْ شِدَّةِ الْبَرْدِ مَرَضًا مِمَّا تَقَدَّمَ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى تَسْحِيبِ الْمَاءِ وَتَدْفِئَةِ عُضْوٍ تَيَمَّمَ وَأَعَادَ. ۴**

و اگر از شدت سرما از بیماری‌هایی که گذشت، ترسید و بر گرم کردن آب و برطرف کردن سرمای عضو توانائی نداشت، تیمم می‌کند و (نماز را) تکرار می‌کند.

معنی المحتاج: زیرا مسح بر ساتر محسوب می‌شود پس همانند مسح بر دو کفش نیاز است که ابتدا وضو بگیرد (و دلیل آن در مسح بر دو کفش گذشت).

<sup>۱۹</sup> . زیرا به یکی از اعضای وضو، یکی از دو مُطَهَّر - که آب و خاک باشد - نرسیده پس حدث آن عضو برطرف نشده است.

<sup>۲۰</sup> . عجاله المحتاج: زیرا در مسح بر دو کفش که ضرورتی ندارد نماز قضا کرده نمی‌شود پس در تیمم که ساتر برای ضرورت و عذر گذاشته می‌شود از باب اولی که قضا نداشته باشد.

<sup>۲۱</sup> . تحفه، نهاییه و معنی: قطعاً قضا دارد به خاطر نقص بدل و مُبَدَّل، همان‌گونه که در روضه آمده است.

<sup>۲۲</sup> . عجاله و نجم: زیرا بیماری عذری عام است و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا جَعَلَ

**عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**﴾ سوره حج، آیه ۷۸

و خداوند متعال برای شما در دین سختی قرار نداده است.

<sup>۲۳</sup> . معنی و نجم: زیرا از نجاست خونی که بسیار است، عفو نمی‌شود. به دلیل این که ناتوانی از شستن آن، حادثه‌ی نادری است.

<sup>۲۴</sup> . معنی و نجم: زیرا سرما اگر چه سبب نادری نیست ولی ناتوانی از گرم کردن آب و نداشتن لباسی که خود را با آن گرم کند، امر نادری است که دوام ندارد.

امام نووی در منهاج به "أظهر" تعبیر آورده که می‌رساند مقابل این قول قوی است.

وَمَنْ فَقَدَ مَاءً وَتُرَابًا وَجَبَ أَنْ يُصَلِّيَ الْفَرَضَ وَحْدَهُ،<sup>۲۵</sup> وَيُعِيدُ إِذَا وَجَدَ الْمَاءَ أَوْ التُّرَابَ حَيْثُ يُسْقِطُ التَّيْمُمُ الْإِعَادَةَ،<sup>۲۶</sup> فَلَا يُعِيدُ إِذَا وَجَدَ تُرَابًا فِي الْحَضَرِ.<sup>۲۷</sup>

و اگر آب و خاک را از دست داد، واجب می‌شود که نماز فرض را به تنهایی بگذارد و (واجب می‌شود که نماز را) تکرار کند هرگاه آب یا خاک (را یافت) بطوری که تیمم (با آن خاک)، تکرار نماز را (از گردن شخص) ساقط می‌کند. پس (با این توضیح) هرگاه خاک را در آبادی یافت (نماز را) تکرار نمی‌کند.

وَوَاجِبَاتُهُ سَبْعَةٌ: الْأَوَّلُ النِّيَّةُ: <sup>۲۸</sup> فَيَنْوِي اسْتِبَاحَةَ فَرَضِ الصَّلَاةِ، أَوْ اسْتِبَاحَةَ مُفْتَقِرٍ إِلَى التَّيْمُمِ <sup>۲۹</sup>، وَلَا يَكْفِي نِيَّةَ رَفْعِ الْحَدَثِ، <sup>۳۱</sup> وَلَا فَرَضِ التَّيْمُمِ. <sup>۳۲</sup>

<sup>۲۵</sup> . نهاییه: نماز سنت نمی‌خواند زیرا ضرورتی برای آن نیست.

<sup>۲۶</sup> . نهاییه: زیرا عذر نادری است. همچنین چون بدل و مبدل وجود ندارد پس باید نمازش را تکرار کند.

<sup>۲۷</sup> . اگر به هر علتی آب و خاک را نیافت واجب اوست که به حرمت وقت نماز بگذارد. و چون عذر نادری است و بدل و مبدل به اعضای وضو نرسیده، قضای آن نماز نیز واجب او می‌شود. بعد از این اگر بخواهد نمازش را قضا کند اما هنوز آب را نیافته و تنها به خاک دسترسی پیدا کرده است، دو حالت دارد:

الف) اگر در صحرا، خاک را بیابد می‌تواند با آن تیمم کند و نمازش را قضا کند. زیرا در سفر اگر بخواهد به علت فقدان آب تیمم کند، نماز از گردن او ساقط می‌شود.

ب) اما اگر در آبادی، خاک را بیابد نمی‌تواند با آن تیمم کند. زیرا در آبادی اگر بخواهد به علت فقدان آب تیمم کند، نماز از گردن او ساقط نمی‌شود. پس چگونه نمازی را قضا کند که از گردن او ساقط نمی‌شود؟

<sup>۲۸</sup> . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ﴾

سوره مائده آیه: ۶

پس قصدِ خاکِ پاک نمایید و از آن به صورت‌هایتان و دست‌هایتان مسح کنید.

فَتَيَمَّمُوا: یعنی قصد کنید و قصد همان نیت است. همچنین حدیث: **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ**

**بِالنِّيَّاتِ.**

<sup>۲۹</sup> . در بعضی از نسخه‌های چاپی و شروحات آمده: **إِلَى الطَّهَارَةِ**، اما در چاپ دار المنهاج

و نسخ خطی و بعضی چاپ‌ها و شروحات آنچه ثبت کردیم.

و واجبات تیمم هفت است: اول نیت: پس نیت مباح گردانیدن فرض نماز می آورد. یا (نیت) مباح گردانیدن چیزی که به تیمم احتیاج دارد. و نیت برطرف کردن بی وضویی نمی آورد و نه (نیت) فرض تیمم.

**فَإِنْ تَيَمَّمَ لِفَرَضٍ وَجَبَ نِيَّةُ الْفَرَضِيَّةِ لَا تَعْيِينُهُ مِنْ ظَهْرِ أَوْ عَصْرِ، بَلْ لَوْ نَوَى فَرَضَ الظَّهْرِ اسْتَبَاحَ بِهِ الْعَصْرَ.<sup>۳۳</sup>**

پس اگر برای نماز فرض، تیمم گرفت نیت فرضیت واجب می شود نه تعیین کردن آن از ظهر یا عصر (که واجب نمی شود). بلکه اگر نیت فرض ظهر آورد با آن (نیت)، نماز عصر را مباح می گرداند.

**وَلَوْ نَوَى فَرَضًا وَنَفَلًا أُبِيحَا<sup>۳۴</sup> أَوْ نَفَلًا أَوْ جِنَازَةً أَوْ الصَّلَاةَ لَمْ يَسْتَبِحِ الْفَرَضَ،<sup>۳۵</sup> أَوْ فَرَضًا فَلَهُ التَّفَلُّ مُنْفَرِدًا، وَكَذَا التَّفَلُّ قَبْلَهُ<sup>۳۶</sup> وَبَعْدَهُ فِي الْوَقْتِ وَبَعْدَهُ،<sup>۳۷</sup>**

و اگر نیت فرض و سنت (با همدیگر) آورد هر دو (برایش) مباح می شوند. یا (نیت) سنت (آورد)؛ یا (نیت) نماز جنازه (آورد)؛ یا (نیت) نماز (آورد)؛ نماز فرض را مباح نمی گرداند. یا (نیت) فرض (آورد) پس نماز سنت به تنهایی اجازه دارد؛ همچنین نماز سنت، قبل از نماز فرض و بعد از آن، در وقت و خارج از وقت (اجازه دارد).

<sup>۳۰</sup> چیزهایی که تیمم گرفتن برای آن واجب است، همانند: طواف، دست گرفتن به قران، سجود تلاوت.

<sup>۳۱</sup> عجاله، تحفه: زیرا اگر برطرف کننده ی حدث بود با غیر خودش که همانا آن آب باشد، باطل نمی شد.

<sup>۳۲</sup> عجاله، تحفه: زیرا تیمم به ذات، مقصود نیست بلکه ضرورتا وسیله ای برای مباح شدن نماز است.

<sup>۳۳</sup> تحفه: زیرا قصد آن چیزی که کرده، صحیح است پس غیر از آن جایز است زیرا از جنس آن (و در درجه ی آن) است.

<sup>۳۴</sup> عجاله، تحفه: از جهت عمل به نیت او.

<sup>۳۵</sup> تحفه و نهاییه: زیرا فرض، اصل؛ و سنت، تابع آن است و متبوع، تابع نمی شود.

<sup>۳۶</sup> در چاپ دار المنهاج چنین آمده: **فَلَهُ التَّفَلُّ مُنْفَرِدًا أَوْ مَعَ الْفَرَضِ قَبْلَهُ**، اما در

هیچ کدام از چاپها، شروحات و نسخ خطی نزد من چنین نبود.

<sup>۳۷</sup> تحفه و نهاییه: زیرا آن ها تابع فرض هستند.

وَيَجِبُ قَرْنُهَا بِالتَّقْلِ<sup>۳۸</sup> وَاسْتِدَامَتُهَا إِلَى مَسْحِ شَيْءٍ مِنَ الْوَجْهِ<sup>۳۹</sup>.

و همراه کردن نیت با نقل خاک و ادامه‌ی آن نیت تا مسح قسمتی از صورت واجب می‌شود.

الثَّانِي وَالثَّلَاثُ: قَصْدُ التُّرَابِ وَنَقْلُهُ،<sup>۴۰</sup> فَلَوْ كَانَ عَلَى وَجْهِهِ تُرَابٌ فَمَسَحَ بِهِ أَوْ أَلْقَتْهُ الرِّيحُ عَلَيْهِ فَمَسَحَ بِهِ لَمْ يَكْفِ،<sup>۴۱</sup> وَلَوْ أَمَرَ غَيْرُهُ حَتَّى يَمَّمَهُ جَازًا وَإِنْ كَانَ قَادِرًا عَلَى الْأَظْهَرِ.<sup>۴۲</sup>

دوم و سوم: قصد خاک و نقل آن: پس اگر بر چهره‌اش خاک باشد و با آن (خاک بر صورتش) مسح کند؛ یا باد، خاک را بر او بیاندازد پس با آن (خاک، صورت یا دو دستش را) مسح کند؛ کفایت نمی‌کند. و اگر به دیگری دستور دهد که برایش تیمم بگیرد جایز می‌شود و اگر چه (بر تیمم) قادر باشد بنابر أظهر (که جایز می‌شود).

---

<sup>۳۸</sup> . النجم الوهاج: مقصود به "التَّقْل" یعنی "الضَّرْب" زدن برای نقل خاک است همان‌گونه که در مهذب و کفایه آمده است.

عجالة: زیرا اولین رکن تیمم است. حتی اگر خاک را بردارد سپس بی‌وضو شود، نمی‌تواند آن را استفاده کند به خلاف آب که نقل در آن شرط نیست.

<sup>۳۹</sup> . عجالة، نجم و نهاییه: زیرا صورت، مقصود اصلی است و رکن قبل از آن، که نقل خاک باشد در ذات خود مقصود نیست.

<sup>۴۰</sup> . لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا﴾ سوره مائده آیه: ۶

پس قصدِ خاکِ پاک نمایید.

<sup>۴۱</sup> . زیرا در حقیقت قصد خاک نکرده و بدون اراده‌اش، خاک به صورتش اصابت کرده است و اگر به فرض مثال به باد دستور بدهد که خاک را بر صورتش نپاشان، باد تابع او نمی‌شود. پس معلوم می‌گردد که قصد او هیچ تأثیری در نقل خاک نداشته است.

<sup>۴۲</sup> . زیرا با قصد اوست که دیگری برایش تیمم می‌گیرد. در این جا قصدش معتبر است زیرا اگر به مأذون له دستور دهد که برایش تیمم نگیرد گفته‌اش را اطاعت می‌کند پس معلوم می‌گردد که قصدش تأثیرگذار است.



الرَّابِعُ وَالْخَامِسُ: مَسْحُ وَجْهِهِ وَيَدَيْهِ مَعَ مِرْفَقَيْهِ.<sup>۴۳</sup> السَّادِسُ: التَّرْتِيبُ.<sup>۴۴</sup> السَّابِعُ: كَوْنُهُ بِضْرَبَتَيْنِ: ضْرَبَةً لِلْوَجْهِ وَضْرَبَةً لِلْيَدَيْنِ،<sup>۴۵</sup> وَقِيلَ: إِنَّ أَمْكَنَ بِضْرَبَةٍ كَفَى كَخِرْقَةٍ وَنَحْوَهَا. وَلَا يَجِبُ إِيْصَالُهُ بَاطِنَ شَعْرِ خَفِيفٍ.<sup>۴۶</sup>

۴۳. لِقَوْلِهِ تَعَالَى: ﴿فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ﴾

سوره مائده آیه: ۶

پس قصدِ خاکِ پاک نماید و از آن به صورت‌هایتان و دست‌هایتان مسح کنید.  
رَوَى مَالِكٌ، عَنْ نَافِعٍ، أَنَّهُ أَقْبَلَ هُوَ وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ عُمَرَ حَتَّى إِذَا كَانَ بِالْمَرْبِدِ، نَزَلَ عَبْدُ اللَّهِ، فَتَيَمَّمَّ صَعِيدًا طَيِّبًا، فَمَسَحَ بِوَجْهِهِ وَيَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ، ثُمَّ صَلَّى. صحیح.  
الموطأ ۱۷۶

نافع و ابن عمر آمدند تا این‌که به محلی به نام مرید رسیدند، ابن عمر پایین آمد و با خاک پاک تیمم گرفت. پس صورت و دو دست خویش را تا آرنج مسح نمود سپس نماز گزارد.

عَنْ جَابِرٍ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ: أَصَابَنِي جَنَابَةٌ، وَإِنِّي تَمَعْتُ فِي التُّرَابِ، فَقَالَ: «اضْرِبْ هَكَذَا» وَضْرَبَ بِيَدَيْهِ الْأَرْضَ فَمَسَحَ وَجْهَهُ، ثُمَّ ضْرَبَ بِيَدَيْهِ فَمَسَحَ بِهِمَا إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ. حاکم در مستدرک ۶۳۷ صحیح دانسته و ذهبی با او موافقت نموده.

شخصی به نزد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آمد و گفت: جنابت به من رسید. (برای رفع جنابت) در خاک غلطیدم. رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمود: این چنین بزن و دو دست خویش را به زمین زد پس صورت خویش را مسح نمود و دستان خویش را به زمین زد و با آن دو دست تا آرنج را مسح نمود.

بیهقی در السنن الکبری ۱۰۱۴ می‌نویسد: امام شافعی می‌گوید: این‌که بگوییم دو دست تا دو آرنج مسح شود به قران نزدیک‌تر و به قیاس شبیه‌تر است زیرا بدل هر چیز همانند خود آن چیز می‌ماند (در نتیجه در تیمم همانند وضو دو دست تا دو آرنج در حکم داخل می‌شود).  
۴۴. زیرا همانند وضو، در قران و سنت ترتیب مشهود است.

۴۵. به دلیل روایت حاکم در مستدرک ۶۳۷ که اکنون گذشت.

چهارم و پنجم: مسح چهره‌اش و دو دستش تا دو آرنجش. ششم: ترتیب. هفتم: بودن تیمم به دو ضربه: یک ضربه برای صورت و یک ضربه برای دو دست. و قول ضعیفی است که اگر با یک ضربه امکان داشت - مانند: پارچه و مانند آن - کفایت می‌کند. و رساندن خاک به درون موی نازک واجب نمی‌شود.

---

عَنْ جَابِرٍ ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: التَّيْمُّ: ضَرْبَةٌ لِلْوَجْهِ، وَضَرْبَةٌ لِلذَّرَاعَيْنِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ. رَجَالُهُ كُلُّهُمْ ثِقَاتٌ وَالصَّوَابُ مَوْقُوفٌ، سنن دارقطنی ۶۹۱

تیمم، یک ضربه برای صورت و یک ضربه برای دستان تا دو آرنج است.

عَنْ نَافِعٍ، أَنَّ ابْنَ عُمَرَ، تَيَّمَّ فِي مِرْبِدِ النَّعَمِ فَقَالَ بِيَدَيْهِ عَلَى الْأَرْضِ فَمَسَحَ بِهِمَا وَجْهَهُ ثُمَّ ضَرَبَ بِهِمَا عَلَى الْأَرْضِ ضَرْبَةً أُخْرَى ثُمَّ مَسَحَ بِهِمَا يَدَيْهِ إِلَى الْمِرْفَقَيْنِ. صحيح، مصنف ابن ابی شیبہ ۱۶۷۳

ابن عمر در (مکانی بنام) مِرْبِدِ نَعَمِ تیمم کرد. پس دو دست خویش را بر زمین زد و با آن دو، صورت خویش را مسح کرد. سپس با آن دو ضربه‌ی دیگری بر زمین زد سپس با آن دو، دو دست خویش را تا دو آرنج مسح کرد.

۴۶ . نجم، تحفه و نهاییه: به علت سختی و مشقت.